

تبعیت از دیدگاه قرآن



ولا تتبعوا



پریچه ساروی

مقدمه

انسان موجودی دو بُعدی است که اختیار دارد در راه خیر یا شر حرکت کند. اگر در راه خیر گام بردارد، به کمال مطلوب و سعادت اخروی نائل می شود و در صورتی که در راه شر قدم بردارد، گرفتار عذاب و بدبختی ابدی می گردد. البته در این میان خداوند مهربان او را به حال خود رها نکرده، بلکه رسولانی به سوی او فرستاده است که تبعیت از آنان ضامن رسیدن به سعادت ابدی است. بنابراین آشنا شدن با دیدگاه قرآن درباره تبعیت از این هادیان، به عنوان تنها راه رسیدن به کمال و سعادت جاودانی امری ضروری است. پیش از بررسی دیدگاه قرآن درباره این امر مهم، ابتدا به جهت زمینه سازی بحث اصلی، بیان معنای لغوی و انواع آن نیز لازم است.

تعریف تبعیت

تبعیت یعنی پیروی، دنباله روی، پذیرفتن، تعقیب کردن، موافقت کردن، جانشینی، فرمانبرداری، امثال امر، ملحق شدن.^۱ در همه این موارد تابع، متبوع، متتابع یا متابع از متبوع، متبوع، متتابع یا متابع در کارها، اعمال و حالات پیروی می کند و او را الگو، پیشرو، بالا دست و اسوه قرار می دهد و بدین وسیله در صدد



است تا خود را مثل او کند.

انواع تبعیت

بدیهی است که تبعیت و پیروی به معنای فوق به خودی خود نه خوب است و نه بد، بلکه با توجه به خوب یا بد بودن متبوع، به دو نوع ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود. تبعیت ممدوح تبعیتی است که نسبت به افراد یا اعمال پسندیده انجام گیرد و تبعیت مذموم آن است که نسبت به اشخاص یا اعمال ناپسند انجام شود.

تبعیت در قرآن

این کلمه در قرآن کریم ۱۷۴ بار به شکل‌های مختلف به کار رفته که برخی از آنها از نوع ممدوح و بعضی دیگر از نوع مذموم است. شناختن تبعیت ممدوح از قرائنی همچون امر به آن و توصیفات و پی آمدهای مثبت آن حاصل می‌شود.

تبعیت شونندگان ممدوح

۱. رسولان الهی

قرآن کریم در آیات بسیاری لزوم تبعیت از رسولان خدا را بیان کرده و در بعضی از آنها انسان‌ها را به تبعیت از رسولان الهی امر کرده است:

پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید. (اعراف، ۱۵۸/۷)

در این آیه شرط هدایت انسان‌ها ایمان همراه با تبعیت ذکر شده است. بنابراین کسی که فقط او را تصدیق می‌کند ولی تبعیت نمی‌کند، از اهتدا دور بوده در گمراهی به سر می‌برد.^۲

در بعضی دیگر از آیات، این موضوع را با نوعی تمجید و ستایش از تبعیت کنندگان از رسولان خدا و یا ملاطفت و مهربانی با آنان نشان داده است. چنان که یک جا در مقام دلجویی و تسکین قلب پیامبر (ص) در مقابل آزار و اذیت و نیز عصیان و سرکشی دشمنان، به آن حضرت خطاب شده است: ای پیامبر: خدا و کسانی از مؤمنان که

پیرو تو اند تو را بس است. (انفال، ۸/۶۴)

در این آیه، عبارت مؤمنانی که از تو تبعیت می کنند به کلمه «خدا» عطف شده است. یعنی مؤمنان تبعیت کننده از تو کفایت می کنند. ۳.

برخی گفته اند: معنای آیه این است که ای محمد! خداوند تو را کفایت می کند و نیز خداوند مؤمنان را که از تو تبعیت کرده کفایت می کند. اما به نظر می رسد معنای آیه به صورت: «ای محمد! خداوند و مؤمنان تو را کفایت می کند.» صحیح تر است. زیرا آیه ۶۲ همین سوره صراحت دارد در این که خدا و مؤمنان، محمد (ص) را یاری کردند. ۴.

چه تمجیدی بالاتر از این که در این آیه، تبعیت کنندگان از رسول (ص) در کنار خداوند به عنوان کافی بودن برای رسول (ص) قرار گرفته اند.

در تفسیر اهل بیت (ع) مذکور است که مراد از این آیه، حضرت امیرالمومنین (ع) و تابعان آن سرورند و ظواهر اخبار شاهد این قول است. ۵. و نیز در جایی دیگر خطاب به پیامبر اسلام (ص) در ارتباط با پیروانش آمده است: و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند، بال خود را فروگستر. (شعراء، ۲۶/۲۱۵)

این تعبیر زیبا کنایه از تواضع توأم با محبت و مهر و ملاحظت است. همان گونه که پرندگان وقتی می خواهند به جوجه های خود اظهار محبت کنند، بال های خود را گسترده و پایین آورده، آنان را زیر بال و پر می گیرند تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون مانند و هم از تشنه و پراکندگی حفظ شوند، پیامبر (ص) نیز مأمور است مؤمنان راستین را زیر بال و پر خود بگیرد. ۶.

آیاتی که بیانگر حال ظالمان در هنگام دیدن عذاب الهی است نیز به گونه ای دیگر نشان دهنده لزوم تبعیت از رسولان الهی است. و مردم را از روزی که عذاب به آنان می آید بترسان. پس آنان که ستم کرده اند می گویند: پروردگارا! ما را تا چندی مهلت بخش. تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم. (ابراهیم، ۱۴/۴۴)

مفسران در مورد این که سخن مذکور مربوط به زمان مرگ است یا روز قیامت، اختلاف نظر دارند. ممکن است مراد روز قیامت باشد، لیکن بعید نیست که همان حین موت و حالت احتضار باشد. زیرا اگر روز قیامت بود، می گفتند ما را به دنیا

برگردان، نه این که اجل و مرگ ما را به تأخیر انداز. ۷

۲. قرآن

و این خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم، پس از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید باشد که مورد رحمت قرار گیرید. (انعام، ۱۵۵/۶)

و آن قرآن است که خداوند بر رسولش فرستاده است. پس به مردم برکت می‌رساند و آنها را به صراط مستقیم هدایت می‌کند و از راه‌های ضلال دور می‌گرداند، عوامل مفید در دنیا و آخرت را برای آنها روشن می‌سازد و از ظلمات به سوی نور خارج می‌کند. لذا تبعیت از آن در تمام موارد از قبیل شیوه تفکر و سلوک و نیز معاملات و ارتباطات و احکام و تعالیمش لازم است. البته این تبعیت باید با تقوی همراه باشد، تا این که به دلیل بی‌ظرفیتی، در فهم آن اشتباه و انحراف رخ ندهد. ۸

۳. رضوان خدا

آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند، چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است؟ و چه بازگشتگاهی است. (آل عمران، ۳/۱۶۲)

مفسران در معنای این آیه نظرات مختلفی ارائه داده‌اند:

۱. آیا آن کسی که موجبات خشنودی حق را با طاعت خود متابعت می‌کند، مانند کسی است که خشم او را با معصیت، برخورد فرو می‌آورد؟
۲. آیا آن کس که با ترک خیانت، رضای خدا را پیروی می‌کند، چون فردی است که با عمل خیانتکارانه خود خداوند را به خشم می‌آورد؟
۳. آیا آن کس که با جهاد در راه حق، رضای حق را می‌جوید، مانند کسی است که موجبات خشم خود را با فرار از جنگ و جهاد از روی تنفر و ترس از جهاد فراهم می‌آورد؟ ۹
۴. آیا اهل بیت مانند کسانی هستند که با آنها دشمنی می‌کنند؟ زیرا در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده‌اند:

کسانی که از رضوان خدا تبعیت می‌کنند، همان ائمه (ع) هستند. برای مؤمنان درجاتی نزد خداوند وجود دارد و با توجه به دوستی و شناختشان نسبت به

ما، خداوند بر حسنات مؤمنان می افزاید و درجات عالی آنها را بالا می برد و اما کسانی که به خشم خداوند رجوع کرده اند، همان هایی هستند که حق علی بن ابیطالب (ع) و حق ائمه یعنی ما اهل بیت را انکار کردند. پس به همین دلیل به خشم خداوند رجوع کرده اند.^{۱۰}

با دقت در نظرات فوق درمی یابیم که تمامی آنها با هم قابل جمع بوده، منافاتی با یکدیگر ندارند. بنابراین می توان گفت تبعیت از رضوان خدا تبعیت از هر چیزی است که موجبات رضا و خشنودی پروردگار را فراهم آورد، که در عمل به صورت های مختلفی نمایان می گردد.

۴. آنچه از ناحیه پروردگار نازل شده است

آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرستاده شده است پیروی کنید. (اعراف، ۳/۷)، درباره آیه فوق بعضی از مفسران گفته اند:

یعنی از قرآن متابعت کنید با انجام اوامر و ترک نواهی آن و یا از پیامبر (ص) متابعت کنید و در هر چه بر شما خوانده و به شما گفته است از قرآن و سنت.^{۱۱} و برخی دیگر از مفسران گفته اند:

این تبعیت در امور واجب و مستحب و مباح است که باید در این امور تابع دستور خدا بوده، به آن اعتقاد داشت، همچنان که از حرام، واجب است اجتناب کرد.^{۱۲}

۵. بهترین آنچه از جانب پروردگار نازل شده است

و نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید. (زمر، ۵۵/۳۹)

مفسران آراء متفاوتی را درباره مصداق یا مصادیق بهترین آنچه از ناحیه پروردگار نازل شده است، ارائه کرده اند. برخی از این نظرات به شرح ذیل است:

۱. منظور بهترین چیزی است که از میان اسباب طاعت و مغفرت می توان در نظر گرفت. زیرا وسایل زیادی برای این دو وجود دارد که از لحاظ نتیجه دادن متفاوتند. عاقل کسی است که اسبابی را انتخاب کند که از همه بهتر بوده، بیشترین ثمره و فراوان ترین نتیجه را دارا باشد.^{۱۳}

۲. مثلاً خداوند هم مباح بودن خواب را نازل کرده و هم مستحب بودن عبادت را

در شب . تبعیت از احسن ، عبادت است و این گونه بیان بر طریق ترغیب است نه الزام . ۱۴

۳ . یعنی قرآن و ولایت امیر المؤمنین (ع) و سایر ائمه (ع) و دلیل بر این مطلب ، قول خداوند عز و جل است : تا این که نفس گوید یا حسرتا به خاطر افراط کاری در جنب خدا ، زیرا از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده اند : ما جنب خدا ، هستیم . ۱۵ .
 ۴ . بعید نیست که منظور خطاب هایی باشد که به طریقه انجام حق عبودیت در راه امتثال خطاب های الهی اشاره می کند ، خواه مواردی که مربوط به عقاید است و خواه مواردی که مربوط به اعمال می شود . مانند خطاب هایی که به استغراق در ذکر خداوند و نیز حب خدا و تقوای او و اخلاص در دین دعوت می کنند . چون پیروی از این خطاب ها موجب برخورداری انسان از حیات طیب و دمیده شدن روح ایمان در او شده ، اعمالش را صالح ساخته ، او را در ولایت خدا یعنی بالاترین کرامت داخل می کند . ۱۶

۶ . راه کسی که به سوی خدا بازگشته است

خداوند متعال پس از این که در آیه ۱۴ سوره لقمان انسان را به شکرگزاری در مقابل خود و نیز پدر و مادر سفارش کرده ، سپس در آیه ۱۵ همین سوره ، وی را از اطاعت آن دو در مواردی که به شرک خدا منجر می شود ، نهی کرده و نسبت به رفتار نیکو با آنان در این دنیا - حتی در همین صورت - امر کرده و در ادامه فرموده است : « و از راه کسی که به سوی من بازگشته ، تبعیت کن » .

« کسی که به سوی من بازگشته » یعنی کسی که به طاعت من بازگشته است که مقصود پیامبر (ص) و مؤمنان است . ۱۷

جمله فوق مبنی بر حصر است . بدین معنا که فقط از طریقه کسانی باید پیروی کرد که راه آنان قیام به وظایف دینی و توجه به آفریدگار است . چنانچه درخواست پدر و مادر نیز چنین باشد ، باید از خواسته آنان پیروی کرد و فی الجمله ، شکرگزاری و مصاحبت با آنها کرد . ۱۸

در این جمله اختصار لطیفی به کار رفته است . زیرا در عین کوتاهی می فهماند که اگر پدر و مادر با خدا باشند ، باید راهشان را پیروی کرد و گرنه اطاعتشان واجب نیست و باید راه غیر آن دو نفر یعنی راه کسانی را که با خدا هستند ، پیروی کرد . ۱۹

لازمه تبعیت

الف) تسلیم بی چون و چرا

کسی که از متبوع مورد نظر خداوند تبعیت می کند، در حقیقت خود را به کسی سپرده است که نسبت به راه های هدایت آگاهی کامل دارد و هر چه انجام دهد، حق است، چه او حقانیت یکایک اعمال متبوع را کاملاً درک کند یا درک نکند، اجمالاً می داند هر چه انجام دهد، حق است. بنابراین، هرگاه در حین تبعیت با وضعیتی روبرو شود که نتواند حقانیت آن مورد خاص را درک کند، نباید به چون و چرا کردن درباره آن یا سرپیچی و عصیان از تبعیت وی پردازد. بلکه باید کاملاً تسلیم بوده، توضیح حقانیت آن مورد را به شخص متبوع واگذار کند تا هر وقت خود صلاح دانست، توضیح دهد. نمونه چنین تبعیتی در قرآن کریم، داستان موسی (ع) و عالم لدنی است که وقتی عالم لدنی در مقابل درخواست موسی (ع) مبنی بر تبعیت از وی، اظهار داشت که نمی توانی صبر کنی، حضرت موسی (ع) گفت: ان شاء الله مرا شکمیا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. (کهف، ۱۸/۶۹) عالم لدنی نیز به وی گفت: اگر مرا پیروی می کنی از چیزی سؤال مکن تا [خود] از آن با تو سخن آغاز کنم. (کهف/۷۰)

معنای آیه این است که اگر از من پیروی کردی در مورد هر چیزی که دیدی و برایت گران آمد، نباید سؤالی کنی تا خودم معنا و وجه آن را بیان کنم. در این جمله اشاره است به این که به زودی اعمالی از من خواهی دید که تحملش برایت سنگین است، ولی من خودم برایت توضیح خواهم داد. اما برای موسی (ع) مصلحت نیست که ابتدا به سؤال کند، بلکه سزاوار است که صبر کند تا او خود بیان نماید. ۲۰

ب) تبعیت همه جانبه

تبعیت از رسولان خدا در صورتی با ارزش و ممدوح می باشد که همه جانبه بوده، تمامی موارد را دربرگیرد، نه این که هرگاه به استفاده شخص باشد، تبعیت کند و هر جا ضرری متوجه او باشد، سرپیچی کند. مثلاً بعضی از انسان ها در موارد آسان تبعیت می کنند و در موارد سخت تبعیت نمی کنند. ۲۱

معنای این آیات [توبه/۴۱ تا ۴۴] این است که اگر تو ایشان را به کاری دعوت می کردی که نفع مالی مسلم و نقدی می داشت و به دست آوردنش هم

آسان بود، مسلماً تو را اجابت می کردند و با تو بیرون می آمدند تا به طمع خود برسند و غنیمتی را که وعده داده بودی، به چنگ آورند ولیکن تو ایشان را به سفری دور و دراز و کاری دشوار دعوت کردی و لذا درباره آن تهاقل ورزیدند و به زودی بعد از آن که از جنگ برگشتید و آنها را به خاطر تخلفشان سرزنش کردید، به خدا سوگند خواهند خورد که اگر توانایی داشتیم با شما می آمدیم. اینها با این روشی که در امر جهاد در پیش گرفته اند که هر وقت آسان و پردرآمد بود، شرکت کنند و هر وقت دور و پرمشقت بود، تخلف کرده، عذرها و سوگند دروغین بیاورند، خود را هلاک خواهند کرد و خدا می داند که در سوگندشان دروغگویند. ۲۲

راه شناسایی تبعیت کنندگان حقیقی

ملاک و معیار سنجش تبعیت و عدم تبعیت فرد، انجام امتحان است. این امتحان از طریق نزول بلا یا و اجرای احکام و حدود محقق می گردد. نمونه ای از این امتحان حکم تغییر قبله در صدر اسلام بود:

و قبله ای را که [چندی] بر آن بودی، مقرر نکردیم جز برای کسی را که از پیامبر پیروی می کند، از آن کسی که از عقیده خود که برمی گردد باز شناسیم و البته [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده، سخت گران بود. (بقره/۱۴۳)

در بعضی از تفاسیر در توضیح این آیه آمده است:

مگر برای این که امتحان کنیم مردم را تا تشخیص دهیم تبعیت کنندگان از رسول را در نماز گزاردن به آن جهت، از کسانی که برمی گردند به حالت سابق خود، به خاطر الفت و علاقه به قبله پدرانشان. ۲۳

از امام حسن (ع) نقل شده که فرموده اند:

مردم مکه هوای قبله شدن کعبه را داشتند. خدای متعال با قبله قرار دادن بیت المقدس امتحان نشان کرد تا معلوم شود چه کسی بر خلاف هوای نفسش، رسول خدا (ص) را پیروی می کند. برخلاف مردم مدینه که هوای بیت المقدس به سرداشتند و خدای متعال به برگرداندن قبله دستورشان داد تا با هوای نفس خود مخالفت کرده، رو به کعبه نماز بگزارند تا باز معلوم شود چه کسی پیروی



رسول خدا (ص) می‌کند و چه کسی مخالفت می‌کند که هرکس او را بر خلاف میل درونش اطاعت کند مصدق و موافق اوست. ۲۴

پی آمدهای تبعیت

۱. جلب محبت الهی

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.
(آل عمران/ ۳۱)

یا محمد! بگو اگر شما حقیقتاً خدا را دوست دارید، پس سرا پیروی کنید. زیرا آنچه من از نزد خدا آورده‌ام، مبین صفات و اوامر و نواهی اوست و محبت صادق و دوستدار واقعی کسی است که بر معرفت محبوب و شناسایی امر ونهی او حریص باشد تا به وسیله امتثال امر او و اجتناب از نهی او، به او تقرب بجوید و اگر متابعت من کنید، خدا هم شما را دوست خواهد داشت و شما را توفیق خواهد داد و به راه راست هدایت خواهد فرمود. ۲۵

اکنون که شما از پیغمبر من تبعیت نمی‌کنید، معلوم می‌شود نسبت به من محبت ندارید. دروغ می‌گویید. پس چگونه می‌شود که من شما را دوست داشته باشم. اگر انسان خدا را دوست داشته باشد، به دلیل عقل لازمه اش این است که هر کسی را خدا دوست دارد، او نیز دوست داشته باشد. یقیناً خدا پیامبر خود را دوست دارد. بدون شک پیامبر (ص) هم آل خود یعنی ائمه (ع) را دوست دارد. پس تردیدی نیست که باید انسان اهل بیت (ع) را دوست داشته باشد. اخبار فراوانی از خاندان عصمت و طهارت وارد شده و به این آیه استدلال کرده‌اند که اطاعت ایشان اطاعت خدا است. ۲۶

از امام صادق (ع) در ارتباط با آیه فوق نقل شده که فرموده‌اند:

هر کس که دوست دارد حق تعالی او را دوست داشته باشد، پس باید خدای تعالی را اطاعت و از ما پیروی کند. به خدا سوگند که بنده از خدای تعالی فرمانبرداری نکنند مگر آنکه خداوند پیروی از ما را نیز در اطاعت از خود داخل کند و به خدا سوگند که بنده از ما پیروی نمی‌کند، مگر این که خداوند او را دوست می‌دارد و به خدا سوگند که کسی از پیروی ما خودداری نمی‌کند،

مگر این که ما را دشمن می‌دارد و به خدا سوگند کسی با ما دشمنی نمی‌کند، مگر این که خدا را عصیان می‌ورزد و هر که بمیرد در حالی که نسبت به خدای تعالی عاصی باشد، خداوند او را رسوا ساخته، در آتش جهنم می‌اندازد.^{۲۷}

گفته اند:

در عهد رسول (ص) جماعتی ادعا کردند که خدا را دوست دارند. حق تعالی گفت: این محمد (ص) دوست من است. اگر شما در این ادعا راستگو هستید، از او متابعت کنید تا من نیز شما را دوست بدارم و الا ادعایی باشد بی‌بیت و ادعای بی‌بیت باطل باشد. از ابن عباس نقل کرده‌اند: رسول (ص) نزد قریش آمد در حالی که آنها در مسجد الحرام بتان را می‌پرستیدند. ایشان را ملامت کرد و گفت: شرم ندارید؟ دین پدر خود ابراهیم و اسماعیل را رها کرده‌اید و جمادی را می‌پرستید که در آن نفعی و ضرری نیست. آنها گفتند: ما اینها را به خاطر دوستی خدا می‌پرستیم. خدای تعالی این آیه را بر پیامبر (ص) فرستاد و فرمود: بگو اگر طالب چیزی هستید که شما را به خدا نزدیک گرداند، از من متابعت کنید تا خدای متعال شما را دوست بدارد که من سزاوارترم به تعظیم از این بتها، که من رسول خدایم.^{۲۸}

۲. تقرب به رسولان الهی

هر که از من پیروی کند، بی‌گمان او از من است. (ابراهیم/۳۶)

در نظام اعتقادی شیعیان معتبرترین ملاک برای نزدیکی به رسول (ص) و قرار گرفتن در زمره اهل بیت (ع)، تبعیت از آنها است و صرف خویشاوندی و رابطه خونی در این زمینه رهگشا نیست. چنان که ابراهیم (ع) در آیه فوق به همین مطلب تصریح کرده است و نیز پیامبر (ص) در مورد سلمان غیر عرب فرمودند: او از ما اهل بیت (ع) است.

۳. هدایت و مصونیت از گمراهی و شقاوت

خدا هر که را که از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود و به توفیق خویش، آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند. (مائده، ۱۶/۵)

و آن کس که ایمان آورد گفت: ای قوم! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست

هدایت کنم. (غافر، ۳۸/۴۰)

در مورد کاربرد ترکیبی واژه هدایت به عنوان پی آمد تبعیت، توجه به این نکته ضروری است که گرچه از آن با تعبیر مختلفی همچون هدایت به راه های امن و سلامت و صراط مستقیم و راه رشد یاد شده است، ولی در حقیقت بازگشت همه آنها به یک چیز یعنی همان راهی است که انسان را به خدا نزدیک می کند. به تعبیر دیگر، اگر به راه های امن و سلامت اشاره شده، از این جهت است که گام نهادن در تمام این راهها یا اعمال، انسان را از خطر گمراهی و سرگردانی ایمن می دارد و اگر صراط مستقیم نامیده شده بدین لحاظ است که مجموعه این اعمال ما را در راهی قرار می دهد که مستقیماً و یک راست به خداوند منتهی می گردد و اگر به عنوان راه رشد مطرح شده، از این نظر است که موجب رشد و کمال انسان می شود. ضمن این که استفاده از تعبیری مانند عدم گمراهی و شقاوت (طه، ۲۰/۱۲۳) نیز به گونه ای دیگر به تبیین همان معنا کمک می کند. زیرا بدیهی است وقتی تبعیت موجب هدایت شود، طبیعتاً مانع از گمراهی و هم چنین شقاوت خواهد شد. مقصود از شقاوت در اینجا، بدبختی و بیچارگی اخروی است.^{۲۹} زیرا اگر شقاوت به معنای بدبختی و بیچارگی دنیوی ناشی از مشکلات و سختی ها باشد، در این صورت مضمون آیه مخالف احادیث بسیاری است که در آنها بیان شده میزان افزایش مشکلات و سختی ها متناسب با میزان افزایش ایمان است.^{۳۰}

۴. تفوق و برتری بر کفار

و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کرده اند، فوق کسانی که کافر شده اند قرار خواهم داد. (آل عمران/ ۵۵)

کسی که تبعیت می کند، به دلیل برخورداری از محبت الهی، طبیعتاً از حمایت او نیز بهره مند است و چون حمایت کننده داناترین و قدرتمندترین است و دست قدرتش بر همه دست ها غلبه دارد پس وی نیز هیچ گاه شکست نمی خورد و مغلوب نمی گردد.

۵. ایجاد رأفت و رحمت در قلب

و در دل های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم. (حدید، ۵۷/ ۲۷) رسولان الهی خود مظهر رحمت خداوند هستند. چنان که پیامبر اسلام (ص) به عنوان «رحمت برای عالمین» معرفی گردیده اند. (انبیاء، ۲۱/ ۱۰۷) بنابراین طبیعی است که تبعیت کنندگان از آنان نیز از آنجایی که به خاطر تبعیتشان روز به روز بیشتر

متخلق به اخلاق آنان می شوند، از چنین صفتی نیز به همان نسبت برخوردار گردند. به علاوه که نتیجه طبیعی اعمال صالح خالصانه نیز داشتن قلبی پاک است که خود به خود منشاء مهر و محبت و رحمت می باشد.

۶. پوشیده شدن بديها

کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند... خداوند بديهايشان را پوشانیده... زیرا مؤمنان آن چه از حق که از جانب پروردگارشان نازل گردیده است تبعیت کرده اند. (محمد، ۴۷/۲-۳)

تبعیت امری نسبی است و مراتبی دارد. کسی که شروع می کند به تبعیت کردن از رسول، مسلماً در همان ابتدای کار تمام اعمالش صددرصد منطبق بر اعمال رسول نمی شود، بلکه به مرور زمان هر چه بر تبعیتش افزوده می گردد، به رسول نزدیک تر می شود. بنابراین تا آن مرحله ای که پیش رفته، یک سری از اعمالش اصلاح و از بديها مبرا گردیده است، ولی به میزانی که از رسول فاصله دارد، هنوز دارای نقایصی می باشد. خداوند عیب ها و نقایص وی را تا رسیدن به کمال مطلوب، از دید دیگران پنهان می دارد.

۷. آسودگی خاطر

کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند... خداوند خاطرشان را آسوده کرد... زیرا مؤمنان از حق... تبعیت نمودند. (محمد/۲۳)

کسی که از رسول تبعیت می کند، خیالش راحت است به دنبال کسی حرکت می کند که چون همواره به حق عمل می نماید، هیچ خطایی مرتکب نمی شود و در نتیجه دچار هیچ گونه گمراهی و انحرافی هم نمی گردد. پس از این جهت دچار نگرانی نیست. می داند به ریسمانی چنگ زده است که جدایی ندارد. (بقره/۲۵۶)

تبعیت مذموم از دیدگاه قرآن

مذموم بودن تبعیت از دیدگاه قرآن را همچون ممدوح بودن آن از قرائنی مانند نهی از آن و توصیفات و پی آمدهای منفی آن می توان دریافت.

الف) تبعیت شوندهگان مذموم

۱. گامهای شیطان

در قرآن کریم سه جا نسبت به تبعیت از گامهای شیطان نهی شده است که دو

مورد آن در ارتباط با خوردن است :

«از خوراکی های حلال و پاکیزه زمین بخورید و از گام های شیطان تبعیت نکنید»
(بقره/۱۶۸)

«از آنچه خدا به شماروزی داده است بخورید و از گام های شیطان تبعیت مکنید .»
(انعام/۱۴۲)

معلوم می شود میزان تأثیر وسوسه های شیطان بر انسان ارتباط زیادی با چگونگی کسب روزی او از لحاظ حلال یا حرام بودن دارد . بنابراین برای این که موفق شود از وسوسه های شیطان اثر نپذیرد و تبعیت ننماید ، باید در حلال بودن روزی خود دقت و حساسیت زیادی داشته باشد .

از طرفی دیگر : تعبیر «گام های شیطان» در این آیه ، گویا اشاره به یک مسأله دقیق تربیتی دارد و آن این که :

انحراف ها و تبهکاری ها تدریجاً در انسان نفوذ می کند ، نه به صورت دفعی و فوری ، مثلاً برای آلوده شدن یک جوان به مواد مخدر یا قمار و شراب ، معمولاً مراحلی وجود دارد : نخست به صورت تماشاجی در یکی از جلسات شرکت می کند و انجام این کار را زیاد مهم تلقی نمی نماید . گام دوم شرکت تفریحی در قمار - بدون برد و یا باخت - و یا استفاده از مواد مخدر به عنوان رفع خستگی یا درمان بیماری و مانند آن است . گام سوم استفاده از این موضوعات به صورت کم و به قصد این که در مدت کوتاهی از آن صرف نظر کند . سرانجام ، گام ها یکی پس از دیگری برداشته می شود و شخص به صورت یک قمار باز حرفه ای خطرناک و یا یک معتاد سخت بینوا درمی آید . وسوسه های شیطان معمولاً به همین صورت است و انسان را قدم به قدم و تدریجاً پشت سر خود به سوی پرتگاه می کشاند . ۳۱

۲ . هوی و هوس

در آیات زیادی از قرآن کریم تبعیت از هوی و هوس مورد مذمت یا نهی واقع شده است . مثلاً در یک جا در رابطه با حکم و داوری چنین آمده است : «پس میان مردم به حق حکم کن و از هوی و هوس تبعیت مکن» (ص ، ۳۸/۲۶)

هوای نفس پرده ضخیمی بر چشمان حقیقت بین انسان می افکند و میان او و

عدالت جدایی می اندازد. لذا در ادامه می گوید: «اگر از هوای نفس پیروی کنی تو را از راه خدا که همان راه حق است باز می دارد. بنابراین هر جا گمراهی است پای هوای نفس در میان است و هر جا هوای نفس است نتیجه آن گمراهی است. ۳۲»

و در جایی دیگر درباره ظالمان آمده است: [نه، این چنین نیست] بلکه کسانی که ستم کرده اند، بدون هیچ گونه دانشی هوس های خود را پیروی کرده اند. (روم، ۳۰/۲۹)

و نیز در مورد دیگر درباره کسانی که دعوت پیامبر (ص) را اجابت نکرده اند، چنین ذکر شده است: «پس اگر تو را اجابت نکردند، بدان که آنها فقط هوس های خود را تبعیت می کنند». (قصص، ۲۸/۵۰)

۳. راه نادانان

راه کسانی را که نمی دانند پیروی مکنید. (یونس، ۱۰/۸۹)
یعنی طریق کسانی که به حکم و مصالح الهی جاهل هستند و سبیل نادانان را که در کارها عجله دارند، مپوید. ۳۳

۱. ابن منظور، لسان العرب، ۲۷/۸؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ۷۸/۲؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ۳۰۵/۴.
۲. فتح الله کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۱۵۱/۲.
۳. سید عبدالله شبر، الجوهر الثمین فی التفسیر الکتاب المبین، ۴۰/۳.
۴. محمد جواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ۵۰۴/۳.
۵. حسین ابن احمد حسینی (شاه عبدالعظیمی)، تفسیر اثنی عشری، ۳۷۱/۴.
۶. محمد جواد نجفی، تفسیر آسان، ۹/۱۵.
۷. سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، ۴۰۱/۷.
۸. سید محمد حسین فضل الله، من وحی القرآن، ۲۹۴/۹.
۹. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۵۳۰/۱.
۱۰. ابوالنصر محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ۲۰۵/۱.
۱۱. منهج الصادقین، ۴/۴.
۱۲. مجمع البیان، ۳۹۴/۲.

۱۳. محمد کرمی، التفسیر لکتاب الله المتیر، ۱۵/۷ .
۱۴. محمد حسینی شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان، ۲۴/۲۵ .
۱۵. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ۲/۲۵۰ .
۱۶. علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۷/۲۹۸ .
۱۷. شیخ طوسی، التبیان فی التفسیر القرآن، ۸/۲۷۴ .
۱۸. محمد حسینی همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۲/۴۷۴ .
۱۹. المیزان، ۱۶/۲۲۷ .
۲۰. همان، ۱۳/۲۳۰ .
۲۱. مفاد آیات ۴۱ تا ۴۴ سورة توبه همین مضمون را می رساند .
۲۲. المیزان، ۹/۲۹۷ .
۲۳. الجواهر الثمین، ۱/۱۵۵ .
۲۴. المیزان، ۲/۱۶۰ .
۲۵. علی رضا میرزاد خسروانی، تفسیر خسروی، ۱/۴۳۸ .
۲۶. تفسیر آسان، ۲/۲۵۶ .
۲۷. محمد بن یعقوب کلینی، روضه کافی/۲۸۹ .
۲۸. ابو الفتوح رازی، روض الجنان فی تفسیر القرآن، ۴/۲۷۷ .
۲۹. لسان العرب/۳۸ .
۳۰. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ۳/۳۵۹-۳۵۱ .
۳۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ۱/۴۱۷ .
۳۲. همان، ۱۹/۲۶۱ .
۳۳. تفسیر خسروی، ۴/۲۲۴ .
- * یادآوری می شود که در ترجمه آیات از ترجمه قرآن استاد محمد مهدی فولادوند استفاده شده است .

پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات فقهی